

اقتصاد عربستان سعودی پس از جنگ خلیج فارس*

مترجم: محمود نیستانی

یکم - هزینه‌های بحران خلیج [فارس] در عربستان سعودی

به طور کلی، این باور عمومیت دارد که بحران و جنگ خلیج [فارس] که پس از تهاجم عراق به کویت آغاز گردید و به مدت هفت ماه جریان داشت، تأثیر چشمگیری بر اقتصاد عربستان سعودی داشته است. مساعدتهای عربستان سعودی به نیروهای متحد و کمکهای اقتصادی ریاض به کشورهای همسایه، در برگیرنده هزینه‌های افزون بردرآمدهای سال ۱۹۹۰ و قریب به بیست میلیارد دلار بود که از طریق افزایش بهای نفت و بالا بردن میزان تولید به سطحی در حدود ۲/۵ میلیون بشکه در روز تأمین گردید. ارقام مربوط به برآورد هزینه عربستان سعودی از ۴۸ میلیارد دلار (Financial Times) February 13, 1991 تا ۶۴ میلیارد، ۳۰ میلیارد برای سال ۱۹۹۰ و ۳۴ میلیارد برای سال ۱۹۹۱ (International Herald Tribune, April 4, 1991) در نوسان بوده است.

در هر حال، حتی هنگامی که هزینه مذکور، معادل پنجاه میلیارد دلار برآورد شود، باید گفت که مخارج بحران و جنگ خلیج [فارس] برای کشوری با بودجه‌ای معادل ۳۱/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ و برخورداری از محصول ناخالص ملی برابر با ۷۸/۸ میلیارد دلار، هزینه سنگینی است (آمار اوپک).

در اینجا به بررسی جزئیات این هزینه‌ها می‌پردازیم که طبق برآورد، حدود ۵۰ میلیارد دلار بوده است.

* Hideki Nariya, "The Saudi Economy After The Gulf war", JIME Review, No. 14, Autumn 1991. pp.27-37.

۱. کمکهای اعطا شده به نیروهای متحد: ۱۹/۱ میلیارد دلار

در بیست و ششم ژانویه، عربستان سعودی در برابر ایالات متحده تعهد کرد که ۱۳/۵ میلیارد دلار به عنوان سهم خویش از هزینه‌های سه ماهه نخستین جنگ پرداخت کند. از نظر عربستان سعودی، این کمکها تنها به حمایت‌های مالی محدود نگشته، بلکه در عین حال آب، سوخت، غذا و اقلام دیگری همانند حمل و نقل مورد نیاز نیروهای آمریکایی در داخل عربستان در هر دو جنبه عملیاتی و غیرعملیاتی را در برمی‌گرفت. علاوه بر این، کمکهای جنگی مشابهی نیز در اختیار انگلستان و فرانسه قرار داده شد. براساس آنچه که از جانب انگلستان اعلام شده، عربستان تضمین کرده بود بخشی از هزینه‌های جنگی انگلستان را که یک میلیارد بود تأمین کند، و در عین حال، ماهانه رقمی معادل ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار به خاطر حضور نظامی نیروهای انگلیسی در عربستان پرداخت کند. در خصوص کمکهای عربستان به فرانسه، آمار رسمی خاصی در دسترس نیست اما عده‌ای معتقدند که رقم مورد نظر برابر همان مقداری است که پرداخت آن از جانب کویت به فرانسه تقبل شده بود. براساس آنچه که ایالات متحده عنوان کرده، عربستان سعودی پذیرفته است که در سال ۱۹۹۰، ۳/۳ میلیارد دلار کمک مالی در اختیار این کشور قرار دهد. هنگامی که در ماه اوت، ایالات متحده مصمم شد که نیروهای خود را به عربستان سعودی اعزام کند، واشنگتن هزینه اعزام و استقرار نیروهای خود در عربستان را ماهانه ۱/۱ میلیارد دلار برآورد کرد، و خواستار آن بود که ۵۰۰ میلیون دلار آن از جانب عربستان سعودی تأمین شود. اما بعدها با گسترش دامنه حضور نیروهای نظامی که به دنبال انجام یک سلسله بررسیها صورت پذیرفت، می‌توان دریافت که در نتیجه سهم کمکهای عربستان افزایش نیز یافته باشد.

اگر چه مقامات عربستان پرداختهای مزبور به نیروهای متحد را تقبل کرده بودند، لیکن به واسطه کمبود منابع مالی عربستان، این پرداختها انجام نشد. رئیس کمیته نظامی - آقای اسپین^۱ - این مطلب را افشا کرد که کل مبلغ پرداخت شده توسط عربستان به ایالات متحده، برابر با ۷/۶ میلیون دلار بوده است: ۴/۵ میلیارد دلار آن کمک مالی بوده که تا اوایل ماه آوریل پرداخت شد، و ۳/۱ میلیارد دلار دیگر کالاها و خدماتی بود که تا پایان ماه مارس در اختیار آنان قرار داده شد. این

مبلغ غیر از آن ۱۶/۸ میلیارد دلاری است که عربستان پرداخت آن را تعهد کرده بود (۳/۳ میلیارد دلار برای سال ۱۹۹۰ و ۱۳/۵ میلیارد دلار برای سال ۱۹۹۱). بخشی از آن ۹ میلیارد دلاری که می‌بایست پرداخت شود، قرار است از طریق وامهای بانکهای بازرگانی به عربستان پرداخت شود و انتظار می‌رود که رقم آن به ۴/۵ میلیارد دلار افزایش یابد. در هر حال، برای تأمین باقیمانده ۹ میلیارد دلار مذکور، چشم‌انداز مشخصی وجود ندارد، هر چند عربستان بارها پرداخت آن را تضمین کرده است. از میان کالاها و خدماتی که عربستان می‌بایست تأمین می‌نمود، سوخت جت و سایر فراورده‌های مورد نیاز در جنگ از ماه دسامبر به تدریج انبار شد، به طوری که بخشی از آنها از بازارهای سنگاپور و به منظور جبران کمبود تولید عربستان خریداری شد. خریداری نفت خام و فراورده‌های نفتی از بازارهای آزاد، بازار محصولات نفتی را رونق بخشید و این رونق نیز هزینه‌های هنگفتی را به گردن عربستان سعودی گذاشت. در بیستم آوریل، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده - نیکلاس برادی^۱ - با شاه فهد دیدار کرد. پیش از این، انتظار می‌رفت که این دو، موضوعات مشخصی، از قبیل جایگزینی نفت در ازای پرداختهای نقدی به منظور تأمین کمکهای پرداخت نشده عربستان را، مورد بحث و گفتگو قرار دهند. اما منابع دیپلماتیک آمریکا گفتند که هیچ بحثی دربارهٔ مسائل مربوط به همکاریهای مالی دو کشور انجام نشد و تنها دو طرف به تبادل نظر در مورد توسعه کشورهای عربی و اقتصاد جهانی پس از خاتمه جنگ، اکتفا کردند (AP, April 21, 1991).

۲. کمک به کشورهای همسایه: حدود ۱ میلیارد دلار

افزایش بهای نفت و به تبع آن درآمدن ارسال پول از جانب کارگران خارجی که در نتیجه بروز بحران خلیج [فارس] پیش آمد، نه فقط خاورمیانه، بلکه کشورهای اروپای شرقی و آسیایی را نیز تحت تأثیر قرارداد. در مورد طرح استراتژیک گستردن دام محصورکننده علیه عراق، عربستان سعودی تقبل کرد که در مجموع کمکی معادل شش میلیارد دلار در اختیار چندین کشور قرار دهد. مصر، سوریه و دیگر اعضای نیروهای متحد، از جمله کشورهای بودند که از عربستان سعودی کمک دریافت می‌کردند، به طوری که تفاوت خاصی بین این کمکها و سایر مساعدتهایی که در

اختیار نیروهای متحد قرار می‌گرفت و در بخش اول عنوان شد، مشهود نبود. در ماه نوامبر، در سفری که شاهزاده سعود - وزیر خارجه عربستان - به اتحاد شوروی نمود، اعطای کمک به مسکو را نیز تضمین کرد. این کمک، مشتمل بر مبلغی معادل $1/5$ میلیارد دلار از جانب عربستان سعودی، $1/5$ میلیارد دلار از سوی کویت و ۱ میلیارد دلار از طرف امارات عربی متحده - جمعاً ۴ میلیارد دلار - و مبلغ دیگری از سوی سه کشور دیگر عضو شورای همکاری خلیج [فارس] بود. عده‌ای معتقدند که دیدار سعود الفیصل از اتحاد شوروی که به فاصله کوتاهی قبل از تصویب قطعنامه سازمان ملل در ۲۹ نوامبر که منضمن مجوز به کارگیری زور علیه عراق بود صورت می‌گرفت، بدین منظور بود که نظر مثبت اتحاد شوروی را در خصوص قطعنامه یاد شده به دست آورد.

از سرگیری روابط سیاسی بین ریاض و مسکو که در ماه سپتامبر صورت پذیرفت، امکان تداوم کمکهای عربستان سعودی به اتحاد شوروی را در زمینه کمک مالی به اصلاحات اقتصادی شوروی تقویت کرد. همچنین به مصر اطمینان داده شد که کمکی معادل $1/6$ میلیارد دلار دریافت خواهد کرد. مصر نخستین کشوری بود که تصمیم گرفت نیرو به عربستان اعزام کند. حدود یک میلیارد دلار این کمک در خصوص کسری فزاینده بودجه مصر که معلول خسارت‌های اقتصادی بود و ۵۰۰ میلیون دلار آن نیز به عنوان مساعدت مالی به پروژه‌های توسعه آن کشور منظور گردید. حدود ۱۰۰ میلیون دلار آن نیز مربوط به کمبود مسکن و بیکاری ناشی از بازگشت بیش از یک میلیون کارگر مهاجر ساکن در عراق و کویت بود. همچنین عربستان طرحی ریخت که بر پایه آن، کارگران مصری جایگزین کارگران یمنی می‌شدند، زیرا کارگران یمنی به دنبال روابط عربستان و یمن اخراج شده بودند.

در پی تصمیم آمریکا در خصوص لغو بدهی نظامی $7/1$ میلیارد دلاری مصر، عربستان نیز از مطالبات $4/5$ میلیارد دلاری خود از مصر، چشم پوشید. هر چند که به نظر می‌رسد مطالبات $4/5$ میلیارد دلاری عربستان از همان آغاز به عنوان کمک بلاعوضی ملحوظ می‌شده است، چرا که مصر بیش از ۵۰ میلیارد دلار مقروض بود، و از نظر عربستان نیز یک کشور عربی دوست به شمار می‌آید. چشمپوشی عربستان از بدهیهای مصر، اگر چه باری بر دوش مردم عربستان نیست، اما انتظار می‌رود در زمینه تقویت اصلاحات ساختاری مصر نقش مهمی ایفا کند.

سوریه نیز همانند مصر، نزدیک به ۲۰۰۰۰ نفر نیروی نظامی به عربستان اعزام داشته است و به نظر می‌رسد رقمی معادل یک میلیارد دلار کمک دریافت کرده باشد (IHT, December 6, 1990) در مورد مساعدتهای عربستان به سوریه، تا به حال، هیچ‌گونه اطلاعاتی از سوی هیچ یک از طرفین منتشر نشده است، اما چنین پیداست در اجلاس قاهره که در اوایل دسامبر با مشارکت وزرای خارجه مصر و سوریه و عربستان تشکیل گردید در مورد کمک به سوریه و مصر گفتگو شده باشد همچنین دو کشور مصر و سوریه دریافت‌کنندگان اصلی اعانه‌های 'صندوق عربی توسعه' (پروژه ۱۰ میلیارد دلاری طی ۱۰ سال) هستند و توافقهایی مربوط به آن در اجلاس سال گذشته شورای همکاری خلیج [فارس] در دو حد صورت پذیرفته است. در عین حال، انتظار می‌رود که طی سالهای آینده، کمکهایی بیشتری در اختیار این دو کشور قرار داده شود. تا پیش از مشارکت اخیر ترکیه در تحریمهایی که علیه عراق اعمال می‌شد و به دنبال اقدام آنکارا در مسدود نمودن خط لوله نفت عراق که از ترکیه عبور می‌نمود، نفت این کشور توسط عراق تأمین می‌شد. از این رو، به منظور جبران خسارتهای وارده به ترکیه، عربستان سعودی ۲۱/۷ میلیون بشکه نفت خام در سال ۱۹۹۰ و ۶۱/۴ میلیون بشکه در سال ۱۹۹۱ در اختیار ترکیه قرار داد، کمکهایی که بهای آن در حقیقت معادل ۱/۲ میلیارد دلار بود. بر اساس گفته مقامات رسمی ترکیه، کمکهایی بیشتری را که ممکن است علاوه بر میزان تعیین شده برای سال ۱۹۹۱ مورد نیاز باشد، می‌توان از طریق انجام معاملات پایاپای بین دو کشور تأمین کرد.

پاکستان نیز همانند ترکیه، طی سه ماهه روزانه ۵۰،۰۰۰ بشکه نفت خام که بهای آن نزدیک به ۱۰۰ میلیون دلار بود، به صورت کمک بلاعوض دریافت کرد. همچنین گزارش شده است که مراکش، لبنان، سومالی و سایر کشورها نیز کمکهایی را از عربستان دریافت کرده‌اند. به دنبال بروز بحران خلیج [فارس]، نمایندگان کشورهای مختلف، در جستجوی کمکهایی عربستان، یکی پس از دیگری از عربستان دیدار می‌کردند. وزیر خزانه‌داری فیلیپین در طی مسافرت خود به عربستان، تقاضای دریافت یک میلیارد دلار کمک به منظور سامان دادن به آشفته‌گیهای اقتصادی کشورش را که به واسطه افزایش قیمت نفت و به تعلق درآمدن ارسال دستمزد کارگران مهاجر فیلیپینی به کشورشان بروز کرده بود، عنوان کرد. در مقابل، به منظور جبران این کمک که میزان آن نیز مشخص نیست، دولت فیلیپین یک گروه پزشکی به عربستان اعزام داشت.

۲. خریدهای تسلیحاتی: حدود ۱۰/۹ میلیارد دلار

به دنبال بروز بحران خلیج [فارس]، عربستان خریدهای تسلیحاتی خود را سریعاً افزایش داد. ارقام ارائه شده از سوی نشریه مید و سایر آمار موجود، حاکی از آن است که میزان خریدهای تسلیحاتی عربستان، حدود ۱۰/۹ میلیارد دلار بوده است.

آنچه که در مورد تجارت اسلحه شایان توجه می‌باشد، بازسازی روابط عربستان و ایالات متحده است. در سال ۱۹۸۵، شاه فهد از آمریکا طی دیداری با واینبرگر - که بعداً وزیر دفاع آمریکا شد - درخواست دریافت ۴۰ فروند جنگنده F-۱۵ و ۳۰۰۰ موشک هوا به هوای سایندویندر^۱ را به صورت یکجا مطرح کرد. اما به سبب ملاحظات موجود در ایالات متحده نسبت به اسرائیل و تأثیرپذیری شدید تصمیمگیری واشنگتن از این ملاحظات، عربستان در اجرای برنامه تقویت نظامی خود با مشکل مواجه شد. عربستان در رویارویی با مشکلات دریافت تسلیحات ساخت روز از ایالات متحده، به جانب انگلستان یا فرانسه و سایر کشورهای اروپایی و نیز چین روی آورده و خواستار خرید اسلحه از این کشورها شد. به طوری که بی‌تردید تا هنگام آغاز بحران خلیج [فارس]، یک چرخش منفی در زمینه تجارت اسلحه بین آمریکا و عربستان مشهود بود.

پس از بروز بحران در خلیج [فارس]، تمام خریدهای تسلیحاتی عربستان به استثنای مواردی که از طریق فرانسه و سایر کشورها تهیه می‌شد، توسط ایالات متحده تأمین گردید که بدون تردید این خود نقطه چرخش مهمی در سیاست امنیتی عربستان به شمار می‌آید. به دنبال برهم خوردن توازن قدرت بین آمریکا و اتحاد شوروی، زمینه جدیدی برای تقویت مناسبات ایالات متحده و عربستان مهیا گردید. طی دوران جنگ سرد، عربستان سعودی در قبال مسائل دو کشور، موضعی خشی اتخاذ کرده و به طور اساسی از درگیر شدن در کشمکشهای بین دو ابرقدرت خودداری می‌نمود. اما پایان جنگ سرد، عربستان را از لزوم حفظ موضع خشی خلاصی بخشیده و این کشور را به سمت این جمع‌بندی سوق داد که در مقطعی که ایالات متحده در تمامی زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی صاحب اقتداری ملی است، بنابراین تأمین امنیت ملی عربستان نیز تنها با تکیه بر آمریکا میسر خواهد بود. از این رو می‌توان گفت که به احتمال قوی این نکته مقامات عربستان

1. Sidewinder

را تحریک کرد که مناسبات با ایالات متحده را تقویت کنند. بدین ترتیب، در شرایطی که انتظار نمی‌رود عراق و کویت دست کم برای مدتی بتوانند نیازهای نفتی ایالات متحده را تأمین کنند، باید گفت که ضرورت تأمین امنیت عربستان، در عین حال مستلزم تأمین منافع ملی ایالات متحده، نیز خواهد بود. در پایان ماه اوت و بلافاصله پس از آغاز بحران خلیج [فارس]، ندایر لازم برای فروش ۲۴ فروند جنگنده F-۱۵ و ۲۰۰ موشک استینگر به عربستان اتخاذ شد. همچنین در ماه سپتامبر طرح عظیم دیگری گزارش شد که حاوی فروش ۲۱ میلیارد دلار اسلحه به عربستان سعودی بود. اما مخالفت مؤثر جناح اسرائیلی، به ناچار محموله مذکور را به در محموله جداگانه تقسیم کرد. لیکن از آنجا که پس از گذشت ۳۰ روز از هنگام اعلام این تصمیم به کنگره، یعنی تا بیست و هفتم ماه سپتامبر، هیچ قطعنامه‌ای در مخالفت با طرح مذکور به تصویب نرسید، بنابراین به نظر می‌رسد که ایالات متحده تصمیم گرفته باشد تا ۶/۷۵ میلیارد دلار اسلحه به عربستان بفروشد. در آغاز، قرار بود که تحویل دومین محموله که بهای آن بیش از ۱۴ میلیارد دلار می‌شد، در اوایل سال ۱۹۹۱ اعلام شود، اما به واسطه تحول بحران خلیج [فارس] و بروز جنگ در این منطقه و مطرح شدن انتقاداتی علیه صدور اسلحه به مناطق بحرانی، ارسال این محموله به عربستان به تعویق افتاد. در ماه مارس، پس از پایان جنگ خلیج [فارس] کنگره آمریکا تصویب کرد که هیچ نوع اسلحه‌ای به کشورهای که در ایفای تعهدات خود به نیروهای متحد ناموفق بوده‌اند، فروخته نشود. به نظر نمی‌رسد تا پانزدهم ماه آوریل که به عنوان موعد پرداخت تعهدات تعیین شده بود، عربستان توانسته باشد تمام ۱۳/۵ میلیارد دلاری را که در ماه ژانویه تعهد کرده بود، پرداخت کرده باشد. در عین حال، به تعویق افتادن کمکها و کمبود مالی عربستان، ممکن است سبب شود که ایالات متحده فروش دومین محموله تسلیحاتی به ارزش ۱۴ میلیارد دلار را به تعویق افکند، یا میزان آن را کاهش دهد.

۴. سایر هزینه‌ها: ۳/۵ تا ۴ میلیارد دلار

علاوه بر هزینه‌های نسبتاً سنگینی که در بالا از آن یاد شد، بحران خلیج [فارس] در برگیرنده مخارج دیگری برای پناهندگان کویتی مستقر در عربستان و آماده‌سازی نیروهای عربستان و هزینه‌های

مربوط به افزایش تولید نفت نیز بود.

به منظور تأمین نیاز پناهندگان کویتی، آپارتمانهای خالی از سکنه عربستان در اختیار پناهندگان قرار داده شده و همچنین پروازهای ویژه‌ای برای عزیمت مسافران از اروپا و سایر نقاط جهان به عربستان مهیا گردید. بانکهای عربستان نیز مسئولیت تبدیل واحدهول کویت به سایر ارزها را به عهده گرفتند. بنابه نوشته مطبوعات، ارائه خدمات مزبور خود مستلزم هزینه‌ای برابر با ۸۰۰ میلیون دلار بود. همچنین هزینه مشارکت نظامیان سعودی در جنگ نیز حدود ۱/۷ میلیارد دلار گزارش شده است، به طوری که ۶۰۰۰ تن از نیروهای عربستان در مناطق مرزی کویت مستقر شدند (IHT). به منظور جبران کسری تولید نفت که روزانه به میزان ۴ میلیون بشکه می‌رسید و در گذشته توسط عراق و کویت تأمین می‌شد، عربستان تولید روزانه خود را از ۵/۳ میلیون بشکه به حداکثر حدود ۹ میلیون بشکه افزایش داد. بدین ترتیب، ظرفیت تولید عربستان که بلااستفاده رها شده بود، برای بالا بردن میزان تولید احیا شد، به طوری که عربستان هزینه راه‌اندازی آن را مبلغی معادل ۴/۳ میلیون دلار تعیین نمود. در عین حال، شایان توجه است که حقوق کارکنان شرکت آرامکوی عربستان نیز در این ارتباط، به میزان ۱۵ درصد بیشتر نسبت به ماه اوت گذشته اضافه شده است تا برنامه افزایش تولید تداوم یابد. هر چند که هزینه شدن کل مبلغ ۴/۳ میلیارد دلار در زمینه احیای ظرفیت تولید با تردید همراه است، اما شاید شایسته‌تر باشد که مبلغ ۴/۳ میلیارد دلار را به عنوان هزینه اضافی راه‌اندازی یک طرح زودرس دانست. طرح نخستین آرامکوی عربستان متضمن آن بود که افزایش ظرفیت تولید طی یک روند مستمر پنج‌ساله و با سقف ۱۰ میلیون بشکه در روز انجام شود. در عین حال، هزینه این افزایش ظرفیت، بین ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار برآورد شده بود (PIW, October 8, 1990). لیکن بروز بحران خلیج [فارس]، مقامات عربستان را مجبور ساخت تا طرح مزبور را به گونه‌ای تسریع کنند که تا سال ۱۹۹۲ به مرحله پایانی خود برسد. عده‌ای معتقدند که هزینه اضافی تسریع طرح، رقمی معادل ۱ تا ۱/۵ میلیارد دلار از کل مبلغ ۴/۳ میلیارد دلار است.

دوم - نیاز فزاینده به سرمایه

در ادامه برآوردهایی که پیش از این عنوان شد، تا پایان جنگ خلیج [فارس]، میزان هزینه‌ها،

مبلغی معادل ۴۰ میلیارد دلار بوده است. رقم عمده مربوط به دومین محموله تسلیحاتی و همچنین هزینه پیشنهادی شورای همکاری خلیج [فارس] در خصوص توسعه کشورهای عربی است که به نظر می‌رسد در بلند مدت به رقمی معادل ۱۵ میلیارد دلار یا بیش از این مبلغ برسد. در همین حال، به منظور تأمین کسری حاصل از هزینه‌های هنگفت و سنگین، عربستان طرح استقراسی مبلغی معادل ۴/۵ میلیارد دلار را از بازار جهانی پول اعلام کرد. نهضت تأمین پول و سرمایه که از سوی عربستان به عنوان یک کشور ثروتمند با درآمدهای عظیم نفتی و در شرایط کمبود پول در سطح جهان، عنوان شده بود، بازتابهای مهمی را در پی داشت. کمبود پولی کشورها در گذشته به واسطه نوع درخواستهای عنوان شده متوازن می‌شد، به طوری که سرمایه‌گذاران تنها در کشورهای در حال توسعه که توأم با مخاطرات فراوانی نیز بود، صورت می‌پذیرفت. نیازهای سرمایه‌ای فزاینده عربستان، کشوری که از جهت میزان مخاطره‌آمیز بودن اعتبار در سطحی برابر با کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی قلمداد می‌شود، از نظر کشورهای در حال توسعه جایز اهمیت بسیاری است. آینده نیازهای سرمایه‌ای عربستان در ارتباط با عملکرد اقتصاد جهانی عامل مهمی به شمار می‌رود.

شاید بتوان گفت که نیازهای سرمایه‌ای عربستان به سه دسته متفاوت قابل تقسیم خواهد بود: نخستین دسته، نیازهای مربوط به بحران خلیج [فارس] است که از قبل تأمین شده است (نیازهای پولی واقعی). دومین دسته، نیازهای حاصل از بحران خلیج [فارس] است که هنوز تأمین نشده است (نیازهای پولی پنهان). سومین دسته، نیازهایی است که به منظور جبران کسری دائمی بودجه و طرحهای مالی مربوط به افزایش تولید نفت باید تأمین شود (نیازهای پولی ساختاری).

نیازهای پولی حقیقی، مشتمل بر مواردی است که پیش از پایان جنگ تأمین گشته و میزان کل آن، مگر به صورت جزئی، مشخص نیست. عده‌ای معتقدند که عربستان مبلغی معادل ۷/۶ میلیارد دلار از مجموع ۱۶/۸ میلیارد دلاری را که برای کمک به نیروهای متحد می‌بایست به ایالات متحده پرداخت می‌نمود و همچنین مبلغ ۳/۲ تا ۴/۷ میلیارد دلاری را که برای کمک به کشورهای همسایه تعهد کرده بود و به علاوه مبلغ ۸۰۰ میلیون دلاری را که در مورد قرارداد تسلیحاتی با آمریکا پذیرفته بود، پرداخت کرده است. این پرداختها که در حقیقت تا به امروز از سوی عربستان انجام شده، تنها بخشی از آن رقم ۵۰ میلیارد دلاری است که عربستان می‌بایست به عنوان هزینه

بحران خلیج [فارس] پرداخت نماید. به نظر می‌رسد هزینه‌های پرداخت شده از محل درآمدهای نفتی چندین ماهه که از ماه اوت به بعد حاصل گشته و مبلغ آن برابر با ۲۰ میلیارد دلار می‌باشد، تأمین شده است.

سایر هزینه‌ها مربوط به اصطلاحاً نیازهای مالی پنهانی است که به صورت نیاز ضروری و به شکل درازمدت و میانمدت پرداخت شده، و در صورت محدود شدن منابع مالی، پرداخت آنها نیز محدود خواهد شد. از جمله، به طور نمونه حمایت از نیروهای متحد و کمک به کشورهای همسایه ممکن است به واسطه ملاحظات دیپلماتیک، اقدامی ضروری تلقی شود، حال آنکه پرداخت مبلغ ۱۴/۲ میلیارد دلار مربوط به محموله تسلیحاتی را ممکن است در سیاهه اقلامی که پرداخت آنها را می‌توان مدتی به تأخیر افکند، جای داد.

سومین دسته، نیازهای مالی ساختاری است که به مسائل جاری موجود در عملیات مالی مربوط خواهد شد. عربستان از سال مالی ۱۹۸۳ با کسری بودجه‌ای حدود ۱۰ میلیارد دلار روبه‌رو بوده است. همچنین بودجه سال ۱۹۹۰ نیز با ۶/۷ میلیارد دلار استقراض همراه بود. البته پایین بودن بهای نفت، علت مهم این کسری بود. لیکن ممکن است این کسری به نبود منابع جایگزین درآمدهای نفتی (به طور نمونه مالیات بر درآمد) و وجود سوبسیدهای داخلی که رقم آن برابر با ۱/۵ میلیارد دلار (۵ درصد هزینه‌های سالانه) می‌باشد، نسبت داده شود. به منظور رفع محدودیتهای حاصل از بهای نفت که می‌تواند به شکل اجتناب‌ناپذیری بر مسائل مالی اثر بگذارد، یافتن راه حلی مؤثر و کارساز ضروری خواهد بود. اما در واقع، سوبسیدهای مربوط به خوراک دام اضافه شد، و پیشنهاد افزایش نرخ بلیط هواپیما نیز معوق مانده است. در عین حال، هیچ راه حلی در مورد این مسائل عنوان نشده است (MEED, January 11, 1991). اینکه آیا وجود نیازهای گوناگون مالی، عربستان سعودی را برای دومین یا سومین دوره مالی به سمت بازارهای جهانی متمایل خواهد ساخت یا نه، بستگی به زمان بروز این نیازها و میزان درآمدهای نفتی خواهد داشت. هم‌اینک عربستان در خصوص پرداخت بموقع کمک مالی ۹/۲ میلیارد دلاری به ایالات متحده با مشکل مواجه است، به طوری که حتی اگر مذاکرات جاری مربوط به وام ۴/۵ میلیارد دلاری بین عربستان و بانک آمریکایی مورگان ترانت^۱ به نتیجه مثبتی منتهی شود، چشم‌انداز

پرداخت رقم باقیمانده همچنان تیره و تار خواهد بود. در عین حال، بر اساس گزارش (آسوشیتد پرس)، عربستان سعودی از ایالات متحده درخواست کرد، که باقیمانده بدهی خود را به وسیله صدور نفت خام جبران کند، لیکن این درخواست بی نتیجه بوده است. بنابراین، در صورتی که ایالات متحده در مورد انجام بموقع پرداختها، پافشاری کند، دولت عربستان ناچار خواهد بود در دور بعدی به منظور تأمین نیازهای مالی خود، به بازارهای جهانی رو آورد. همچنین ممکن است شرکتهای ملی همانند آرامکوی سعودی و سامارک^۱، به عنوان وامگیرندگان اصلی برای دولت عربستان و بانک مرکزی وارد عمل شوند. این دو شرکت، به شدت نیازمند کمکهای مالی هستند تا بتوانند هزینه‌های مربوط به تقویت ظرفیت حوزه‌های نفتی دایر و مخارج توسعه میدانهایی که نا جنوب ریاض تداوم می‌یابند و هزینه قطعات اضافی فرعی پالایشگاهها را تأمین کنند. در حقیقت، به نظر می‌رسد که آرامکوی عربستان، به منظور رفع نیازهای خود در سه ماهه اول سال، مبلغ معینی را از کنسرسیوم بانکهای عربستان به صورت کوتاه مدت وام گرفته باشد. هر چند که این پولها در ظاهر برای سرمایه‌گذاریهای نفتی هزینه می‌شود، اما در حقیقت از جهت تأمین کسری بودجه خود کمکی است به دولت عربستان.

شرکت متحد الکتریکی برای منطقه غرب^۲ و شرکت آهن و فولاد^۳ که شعبه ساییک^۴ به شمار می‌رود، به ترتیب ۳۲۰ و ۱۳۰ میلیون دلار از بانکهای داخلی عربستان وام گرفته‌اند (MEED, may 3, 1991). چنین حرکتهایی که در جهت اخذ وام از بانکهای داخلی صورت می‌پذیرد، حاکی از آن است که دولت عربستان با کمبود مالی مواجه است. در صورتی که تمامی نیازهای مزبور در داخل عربستان قابل تأمین نباشد، این امکان وجود دارد که دولت عربستان به منظور تأمین نیازهای مالی خود به سمت بازارهای جهانی رو آورد.

سوم - پیامدهای طرح توسعه اقتصادی

بحران خلیج [فارس]، ناپایداری و تزلزل ترتیبات امنیتی عربستان سعودی و دیگر کشورهای عضو

1. Samarec
2. Sceco - West
3. Hadeed
4. SABIC

شورای همکاری خلیج [فارس] را آشکار ساخت. در حالی که عربستان مبلغ ۱۴ میلیارد دلار، یعنی یک سوم بودجه سالانه خود را در زمینه دفاع ملی هزینه می‌کرد، با این حال در رویارویی با تهاجم عراق به کویت نیازمند به حمایت‌های نیروهای متحد بود. این واقعیت در داخل عربستان امری بسیار جدی تلقی شد و ژنرال خالد به گزارشگران مطبوعات گفت که عربستان نیازمند به هشت لشکر است. این گفته بدان معناست که ارتش نیرومند و ۶۰۰۰۰ نفری عربستان، به میزان سه برابر و تا حد ۲۰۰۰۰۰ نفر تقویت شود (IHT, April 22, 1991).

بدین ترتیب، عربستان با تقویت نیروهای مسلح، همکاری‌های نظامی خود با ایالات متحده، مصر و سوریه را تقویت خواهد کرد. با افزایش اولویتهای نظامی، عربستان به ناچار باید به صورت مستقیم و غیرمستقیم هزینه‌های نظامی را افزایش دهد. بنابراین، وجود این گرایش می‌تواند موانعی را در مسیر به اجرا درآمدن برنامه جدید توسعه اقتصادی پنجساله، که در سال ۱۹۹۰ آغاز شده است، ایجاد کند. برنامه مزبور با اتکای به اصول کلی چهارمین برنامه تدوین شده است که با تأکید خواستار به کارگیری نیروی انسانی محلی و احیای مجدد شرکتهای خصوصی است. به ویژه، تخصیصهای مربوط به آموزش نیروی انسانی، تنها بخشی است که در مقایسه با کل بودجه افزایش یافته و در مقایسه با برنامه پیشین، به رقمی معادل ۷۳ میلیارد دلار تنزل یافته است. این برنامه توسعه، تمام مسائل ساختاری را که باید در مسیر توسعه اقتصادی حل و فصل شوند، مورد توجه قرار داده است. اما برخی از این ملاحظات اقتصادی ساختاری ممکن است در برابر سرمایه‌گذارهای نظامی مورد توجه واقع نشوند، چرا که سرمایه‌گذارهای نظامی از اولویت برخوردار هستند.

در هر حال، بحران خلیج [فارس] احتمالاً پیامدهای گسترده‌تری برای عربستان خواهد داشت.

جدول ۱. کمکهای کشورهای حوزه خلیج [فارس] به نیروهای متحد

(صد میلیون دلار)

کمکهای تعهد شده	کشورهای کمک کننده	هزینه	
۱۶۸/۴ (۳۳/۴ در سال ۱۹۹۰؛ ۱۳۵ در سال ۱۹۹۱)	عربستان سعودی	۴۰۵	نیروهای آمریکایی
۱۶۰/۱ (۲۵/۱ در سال ۱۹۹۰؛ ۱۳۵ در سال ۱۹۹۱)	کویت	(از جمله هزینه های مربوط به امور پس از جنگ و بازگشت مهاجران به کشورشان)	
۳۰ (۱۰ در سال ۱۹۹۰؛ ۲۰ در سال ۱۹۹۱)	امارات عربی متحده		
۱۳* (۱ میلیارد دلار تعهد شده است)	عربستان سعودی	۱۹	نیروهای انگلیسی
۱۳	کویت		
۵	امارت عربی متحده		
* ۱۰	عربستان سعودی	۱۲-۱۴	نیروهای فرانسوی
۱۰	کویت		

مأخذ: US. News & World Report, March 11, 1991; MEED, March 15 and May 3, 1991. *کمکهای عربستان به نیروهای انگلیسی و فرانسوی برابر با میزان کمکهای کویت به این نیروها برآورد شده است.

جدول ۲. درصد کمکهایی که نیروهای آمریکایی دریافت کرده اند

(میلیون دلار)

مجموع	۱۹۹۱	۱۹۹۰	
۴۵۳۶	۳۷۶	۶۰	کمکهای مالی
	(شروع آوریل ۱۹۹۱)		
۳۰۵۹	۲۲۰۵	۸۵۴	مساعده های غیر پولی
	(پایان مارس ۱۹۹۱)		
۷۵۹۵	۵۹۸۱	۱۶۱۴	مجموع
۱۶۸۳۹	۱۳۵۰۰	۳۳۳۹	تعهدات
(۴۵/۱)	(۴۴/۳)	(۴۸/۳)	(درصد دریافت)

MEED, etc.

مأخذ:

جدول ۳. کمکهای عربستان در ارتباط با بحران خلیج [فارس]

کشور دریافت کننده ارزش		
اتحاد جماهیر شوروی	۱۵	۱/۵ میلیارد دلار از عربستان، ۱/۵ میلیارد دلار از کویت و یک میلیارد دلار از امارات عربی متحده و در مجموع ۴ میلیارد دلار
مصر	۱۶	۱۰ تأمین کسری بودجه ۵ پروژه کمک مالی ۱ کمکهای ضروری در ارتباط با بازگشت مصریان از کویت و عراق (مطالبات چشمپوشی شده معادل ۴/۵ میلیارد دلار)
سوریه	۱۰	شرکت ۱۹۰۰۰ نیروی نظامی و ۲۷۰ تانک در نیروهای متحد.
ترکیه	۱۲	(تقدیم ۱۶۰۰۰۰ بشکه نفت خام در روز) بستن خط لوله‌ای که از ترکیه عبور می‌کرد.
پاکستان	۱	(تقدیم ۵۰ هزار بشکه نفت خام در روز) شرکت ۷۰۰۰ نیروی نظامی نیروهای متحد.
مراکش	*	شرکت ۱۷۰۰ نیروی نظامی در نیروهای متحد.
فلیپین	*	اعزام یک گروه پزشکی ۱۷۵ نفری.
مجموع برآورد شده		تقریباً ۶ میلیارد دلار

مأخذ: تمام داده‌ها توسط JIME مهیا شده است. یادداشت: بنا به گزارش موجود، عربستان به لبنان، سومالی، بحرین و جیبوتی نیز کمک کرده است. * اطلاعات موجود نبود.

مجلات و نشریات

جدول ۲. خریدهای تسلیحاتی عربستان

فروشنده	پیش از بحران (ماههای ۱ تا ۷ سال ۹۰)	پس از بحران (ماه ۸ سال ۹۰)	مجموع
آمریکا	۴۱۰۰	۹۹۶۹	۱۴۰۶۹
فرانسه	۴۴۰	۸۸۰	۱۳۲۰
برزیل	۰	۷۰	۷۰
	۴۵۴۰	۱۰۹۱۹	۱۵۴۵۹

مأخذ:

MEED, April 26, 1991.

جدول ۵. نیازهای سرمایه‌ای عربستان

نیروهای متحد	پروندهای متعهد شده (تقاضای حقیقی)	پروندهای نشده (تقاضای پنهان)	
آمریکا	۷۶	۱۲	۱۶۸
انگلیس	*	*	۱۳
فرانسه	*	*	۱۰
کمک به کشورهای همسایه	۴۷-۳۲	۲۸-۱۳	۶۰
خریدهای تسلیحاتی			
قراردادهای منعقد شده	* (۸ با آمریکا)	*	۱۰۹
محموله دوم	۰	۱۴۲	۱۴۲
کمک به کویت	۸	۰	۸
نیروهای عربستان	۱۷	۰	۱۷
تولید نفت تسریع شده	*	*	۱۵-۱۰
صندوق عربی توسعه (در طی ۱۰ سال)	۰	۳۰-۴۰	۴۰-۲۰
مجموع			۵۸۲-۵۶۷

* ارقام موجود نبود.